



کمک طرفدارانش در شبکه‌های اجتماعی توانسته دپه لازم برای آزادی محکوم به اعدام را جمع کند. این بار هم روز گذشته و در کمتر از ۲۴ ساعت مبلغ لازم برای دپه را جمع کرد. مشتاق این بار برای حال خوبی است که محسن چاوشی بدون هیاهو برای آدم‌ها به وجود می‌آورد.

است که در میان تلخی دعوهایش، همیشه نورهای سفیدی وجود دارد که دل‌مان را به شبکه‌های اجتماعی خوش کنیم. محسن چاوشی یکی از همین آدم‌هاست. حتی آنهایی که صدایش را نمی‌پسندند هم کارهای نیکوکارانه‌اش را تایید می‌کنند. او در چند سال گذشته با

حال خوب کن هفته!

این روزها که فضای مجازی پر از عقده‌گشایی در مدل‌های مختلف شده و چه آدم معروف‌ها و چه کاربرهای عادی مشغول دعوهای مجازی شده‌اند، کسانی هستند که بی‌صدا و آرام با همیاری و همکاری دست به کارهای بزرگ می‌زنند. اصلاً هیجان فضای مجازی به همین



چرا هویت برخی افراد در فضای مجازی تغییر می‌کند؟

چند «مَن» هویت مجازی!



کاراکتری جدا و متفاوت را به نمایش بگذاریم که احتمالاً از آن خوشمان می‌آید، گاهی کاراکتری داریم که موفقیت‌های نداشته‌مان در دنیای واقعی را به دوش می‌کشد، گاهی در عین تنهایی، از خنده و شادی پست بنویسیم و حتی گاهی با وجود خوب بودن حالمان، نقابی از افسردگی بر چهره مجازی‌مان بزنیم تا حس ترجم دیگران را برانگیزیم! هویت مجازی را همه‌مان داریم، فقط کافی است کمی حواسمان به برخورد‌ها و حرف‌های‌مان در فضای مجازی باشد تا ببینیم چقدر این هویت تازه ساخته شده توسط دست خودمان به همان خود واقعی‌مان شباهت دارد! اما چرا هویت افراد در شبکه‌های مجازی تغییر می‌کند؟ در این گزارش پای صحبت یک کارشناس رسانه و یک جامعه‌شناس نشسته‌ایم و از آنها درباره همین هویت مجازی که در بسیاری موارد به شکل پرخاشگر بروز می‌کند، پرسیده‌ایم.

«حساب کاربری‌ام را در توییتر تازه راه‌انداخته بودم و فعالیت می‌کردم. ناسلامتی خبرنگار بودم و جمع خبرنگارها در این شبکه اجتماعی آبی رنگ جمع است. همکاران و دوستان قدیم و جدید را پیدا کردم و دیگر همدیگر را فالو کرده بودیم. همکار نزدیکم از فعال‌های توییتر بود، روزی بیشتر از ۵۰ توییت می‌نوشت که به جز تعدادی که شامل روزمرگی‌نویسی بود، بقیه اظهار نظر درباره اخبار و اتفاق‌های جامعه بود. توییت‌هایش هر روز روی منم می‌رفت. حس می‌کردم دیگر نمی‌شناسمش و یک روز صدامم درآمد! به او گفتم اگر قبل از همکاری در دنیای واقعی، در فضای مجازی می‌شناختمتان، هرگز حاضر نبودم همکار باشم!»

این اتفاق همان هویت مجازی است که خیلی از ما آگاهانه یا ناآگاهانه برای خودمان ساخته‌ایم، این مورد اصلاً ربطی به حساب‌هایی با نام جعلی ندارد، ما می‌توانیم با نام و تصویر خودمان عضو این شبکه‌ها باشیم، اما در هر کدام

چرا این‌طور پیش رفت؟

ماجرای این فقط به اینها محدود نمی‌شود، حملات مجازی و تبدیل شدن شبکه‌های اجتماعی به رینگ بوکس برای فحش‌کاری از نمونه‌های فعالیت با همین هویت مجازی افراد است. فرقی نمی‌کند در صفحه شخصی خودشان کسی را خطاب دهند یا زیر پست‌های آدم‌های معروف دعو کنند، آنها از این‌که خودشان را به رخ بکشند لذت می‌برند و این دیده شدن حتی به قیمت به نمایش گذاشتن خصوصیاتی که اصلاً ندارند، هم اتفاق می‌افتد.

این آدم مجازی‌ها

درست است که برخی از افراد از روی بیکاری در اینستاگرام می‌چرخند و حضور در جنجال‌ها انرژی آنها را تخلیه می‌کند، اما حقیقت تلخ ماجرا شاید این باشد که ما خود واقعی‌مان را فراموش کردیم، به فضای مجازی پناه بردیم و خودمان هم مقصر این اوضاع و احوال هستیم. ماهایی که حتی تیریک‌ها و تسلیت‌های‌مان هم مجازی شده و حضور در این فضا بخش عظیمی از زندگی واقعی‌مان است و شبکه‌های اجتماعی شاید بستر مناسبی باشد که انرژی‌های تخلیه نشده‌مان را بر سرش بریزیم. فحش بدییم، دعو کنیم، خود را به دیگر اشخاص معرفی کنیم و گاهی آن چیزی را به رخ بکشیم که دل‌مان می‌خواسته باشیم!

هویت مجازی بد است چون...!

در فضای مجازی افراد همه و جوه شخصیتی خودشان را به نمایش نمی‌گذارند، به این دلیل که اساساً این فضا بخش‌هایی از هویت را طلب می‌کند که نیازی به تایید گرفتن از دیگر بخش‌های جامعه ندارد و همین نمایش دادن کافی است. برای مثال در شبکه اجتماعی اینستاگرام که مبتنی بر عکس است و تصویری بودن هویت‌ها اهمیت دارد، پس ویژگی زیبایی در صدر نمایش قرار می‌گیرد. این زیبایی می‌تواند در چهره افراد، محیط اطراف، دارایی‌ها و فعالیت‌هایی باشد که زیبایی بصری دارد و نباید فراموش کنیم که در این تصویری شدن همیشه اغراق وجود دارد و افراد نه تنها بخش‌های زیادی از هویت واقعی خود را کتمان می‌کنند، بلکه آن چیزی را هم که به تصویر می‌کشند، تنها زیبایی محض است.

چرا هویت مجازی می‌تواند خوب باشد؟

هویت مجازی خوبی‌هایی دارد، هرچند که همیشه مرز باریکی در شیوه استفاده از خوبی‌های یک موضوع وجود دارد که می‌تواند آن را کاملاً منفی کند. با این حال «آزادی انتخاب» یکی از ویژگی‌های مثبت هویت مجازی است، به این معنی که فرد می‌تواند از بین تمامی ویژگی‌های شخصیتی خودش، چیزی را که دوست دارد به نمایش بگذارد. در فضای مجازی انتخاب اسم، تصویر پروفایل، حلقه دوستان و مهم‌تر از بازتاب رفتاری و شخصیتی فرد بدون نظارت اجتماعی اتفاق می‌افتد و در نهایت هر فرد می‌تواند یک نمونه آرمانی از خودش را نمایش بگذارد. در ادامه «احساس آزادی بیان» ویژگی دیگر این هویت مجازی است که بسیاری از محدودیت‌های اجتماعی مانعی برای اظهار نظرهای افراد نمی‌شود.

هویت دهی مجازی

دکتر علیرضا آرمان، پژوهشگر و کارشناس رسانه، درباره این‌که چرا هویت افراد در فضای مجازی واقعی متفاوت است، می‌گوید: «حقیقت ماجرا این است که فضای مجازی هم درست مانند دنیای واقعی که در آن زندگی می‌کنیم، قوانین خاص خود را دارد اما خیلی از افراد به دلیل هزاران دلیل روان‌شناسی و جامعه‌شناسی به آن پایبند نیستند. از همین رو شخصی می‌تواند با حساب‌های کاربری مختلف در قالب هویت‌های متفاوتی ظاهر شود؛ بدون آن‌که کسی او را بشناسد. به این ترتیب این فرد همان‌گونه که از فضای حقیقی یعنی خانواده و دوستان و ... تاثیر می‌پذیرد، از فضای مجازی نیز تاثیر پذیر می‌شود. نکته دیگر این است که آن فرد هویت دوم و سوم و چهارم خودش را بیشتر از خود واقعی‌اش دوست دارد. یعنی هویتی که فضای مجازی به او داده، به دلایلی برایش از هویت فعلی خودش جذاب‌تر است و دوست دارد مردم او را با همان هویت بشناسند، نه چیزی که واقعاً هست که این مساله مشخصاً ریشه در برخی ناکامی‌هایش دارد.»

محلی برای تخلیه انرژی

دکتر منصوره امانی، جامعه‌شناس هم‌فحاشی و بددهنی‌های فضای مجازی را این‌طور ارزیابی می‌کند: «بسیاری از کاربران اینستاگرام و دیگر شبکه‌های اجتماعی، جوان هستند. برخی از آنها فکر می‌کنند که شخصیت انسان‌ها در فضای مجازی شکسته می‌شود. یعنی با این فرض که کسی آنها را نمی‌شناسد، می‌توانند در قالب فحش دادن تخلیه انرژی کنند. اتفاقی که آن را کم هم نمی‌بینیم. نکته دیگر این است که فرد در شبکه‌های مجازی به دیگران احساس نزدیکی بیشتری می‌کند. باید گفت که هویت اصلی ما همان هویت مجازی‌مان است و هیچ فرقی بین آنها نیست. فحش دادن در فضای مجازی هیچ چیز را حل نمی‌کند و نتیجه‌اش این است که ابتدا در اینستاگرام فحش می‌دهیم و ساعتی بعد برای ماشینی که برای پیچیدن به سمت راست راهنما نزده است، از قفل فرمان استفاده می‌کنیم! باید کمی به دنیای واقعی برگردیم و راهکارهای بهتری برای تخلیه انرژی پیدا کنیم.»



ایران

#کارگر_انقلابی

به بهانه هفته کارگر فضای مجازی پر شده از تقدیرها و تشکرها که پیام رهبر انقلاب درباره تشکر کردن از کارگرها را بازنشر می‌دهند. استفاده از کالای ایرانی که منجر به حمایت از کارگر ایرانی می‌شود هم از دیگر مطالبی است که کاربران با این هشتگ درباره آن صحبت می‌کنند.

#چهارمحال_وبختیاری

فعالیت جهادی مردم در راستای سخنان رهبر انقلاب و کمک مومنان به نیازمندان و فقرادر چهارمحال و بختیاری نمود گسترده‌ای پیدا کرده و کاربران از حس خوب کمک کردن با این هشتگ نوشته‌اند.

#سلامت_دانشجو

این هشتگ را دانشجویان به راه انداختند. در حالی‌که کلاس درس مدرسه‌ها و دانشگاه‌ها به دلیل شیوع کرونا تا پایان سال تحصیلی تعطیل شده، اما قرار است آزمون ارشد و دکتری برگزار شود. دانشجویان نسبت به این موضوع واکنش دارند که سلامت‌شان در خطر است.

ترندهای این روزهای فضای مجازی بیشتر خلاصه شده در ایده‌های سرگرمی و خارجی‌ها بیشتر هشتک‌های خاطره‌انگیز یا چالش‌های خنده‌دار را ترند می‌کنند. در داخل اما اوضاع فرق می‌کند و ماه رمضان و پوشش‌های مختلف موضوع بحث‌های روز کاربران است.

توییت

بازندگان، ترین‌های توییتر را بخوانید

جهان

#QuarantineABook

هشتک بامزه «کتاب قرنطینه» را جیمی فالون، مجری برنامه تلویزیونی را انداخت. او از بقیه خواست تا یک کتاب را با شرایط قرنطینه خود ترکیب کنند و اسم جدیدی بسازند. «هری پاتر و سفارش دهنده از آمازون»، «غورو و سلوار» و «دورخانه در ۸۰ روز» از عنوان‌های بامزه این کاربران بود.

#MayTheFth

اکانت دیزنی پلاس گفت که با این هشتک خاطره‌ای از «جنگ ستارگان» بنویسید، اما توضیح داد که هر فردی از این هشتک استفاده کند، دیزنی حق دارد از توییت و نام او استفاده کند. این موضوع با واکنش روبه‌رو شد و انتقاد کردند که دیزنی قانوناً حق چنین کاری را ندارد.

#IlSignoreDegliAnelli

ایتالیایی‌ها نام «ارباب حلقه‌ها» را به ترند توییتر بدل کردند! توییت‌ها از طرف طرفداران دوآتشه فیلم بوده و حاوی تصاویر فیلم، مقایسه با هری پاتر و جملات با معنی از شخصیت‌های فیلم هستند.



زمین در محاصره یوفوها!

پنتاگون سه ویدئو از پرنده ناشناسی را منتشر کرده و در بیانیه‌ای توضیح داده که با خارج کردن این ویدئوها از طبقه‌بندی نیروی دریایی آنها را منتشر کرده است. یکی از این ویدئوها مربوط به نوامبر ۲۰۰۴ و دو ویدئوی دیگر مربوط به ژانویه ۲۰۱۵ است. البته این سه ویدئو در سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۱۷ بدون مجوز در دسترس پس از انتشار بدون مجوز در این سال‌ها در دسترس عموم بوده است. پنتاگون می‌گوید این ویدئوها افشاکننده توانمندی یا سامانه حساسی نیستند و تأثیری روی بررسی این پدیده‌های ناشناس ندارند و از همین رو آنها را بعد از این همه سال منتشر کرده است. در ادامه واکنش تعدادی از کاربران را می‌خوانیم:

فانز: بشقاب پرنده‌ها تو آسمون زیاد شدن تعجب نکند! اینا از الان اومدن جابگیرن برای تماشای برخورد شهاب سنگ با زمین.

دیوان سالار: ولی کاش بشقاب پرنده وجود داشت، پدونه می‌خریدم که دیگه از شر ترافیک همت خلاص شم.

ردسونو: دیروز داشتیم به برخورد احتمالی اون سیاره که به زمین فکر می‌کردیم و امروز داریم به تایید وجود آدم فضایی‌ها و بشقاب پرنده‌ها فکر می‌کنیم. کی بود می‌گفت زندگیمون بدون هیجانه؟

میلا: بشقاب پرنده، فقط دو دعوای خونه‌ما.

میگابیل: بابام از وقتی مستند فرازمینی‌ها رو دیده، می‌ایسته کنار پنجره هر هواپیمایی رد میشه نشون میده میگه عا! بشقاب پرنده! بعد هم تعجب میکنه!

سیدابراهیمی: امروزه با وجود پهپادهای پرنده جاسوسی یا تهاجمی و اشیای قابل کنترل از راه دور توسط انسان، باور به بشقاب پرنده‌ها (اشیای فرستاده شده توسط موجودات ما و آراء زمینی) ضعیف‌تر شده.

پزشک انقلابی: آمریکا با مفاهیم: آخرالزمان، نابودی کره زمین، حمله موجودات فضایی، بشقاب پرنده‌ها و یوفوها و ... ترس می‌فروشد و پول امنیت تخیلی را به جیب می‌زند.